

## بررسی تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر شاخص‌های رفاه در ایران

### چکیده

هدف این مقاله، بررسی تأثیر ترکیب‌های بودجه‌ای دولت بر شاخص رفاه اجتماعی در ایران است. از آنجاکه توجه دولت به مقوله رفاه اجتماعی در اقتصاد مهم می‌باشد، نحوه هزینه‌کرد دولت در این مورد نیز دارای اهمیت است. در این تحقیق با استفاده از روش علی و معلولی و روش‌های اقتصادسنجی و استفاده از داده‌های دوره‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۰ در اقتصاد ایران، اثرات ترکیب بودجه دولتی بر سه بعد رفاه، شامل درآمد، توزیع و توانمندی از طریق شاخص‌های فقر، رفاه آماری سن و توسعه انسانی بررسی شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد هزینه‌های دولت در بخش بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی، مخابرات، حمل‌ونقل و آب، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش شاخص کمی درآمدی رفاه دارد. هزینه‌های دولت در امور بهداشت، آموزش، آب و توسعه و عمران روستایی باعث ارتقای سطح توسعه انسانی در کشور شده و در بخش بهداشت، تأمین اجتماعی، مخابرات و فناوری و آموزش، مؤثرترین هزینه‌ها بر شاخص توزیعی رفاه اجتماعی هستند. علاوه بر این موارد می‌توان گفت، افزایش درآمد سرانه باعث افزایش کمی و کیفی استانداردهای زندگی می‌شود و کمک‌های مستقیم غیردولتی به امور رفاهی، به افزایش کارآمدی هزینه‌های دولت در افزایش رفاه منجر می‌شود. همچنین در بین هزینه‌های دولت، شاخص هزینه‌های امنیت عمومی (به‌عنوان شاخص امنیت) بر شاخص رفاه تأثیر معنی‌داری دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت، صرف هزینه در امور اجتماعی بر افزایش کمی و کیفی رفاه تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه انسانی، رفاه اجتماعی، هزینه‌های موزون دولت

طبقه‌بندی JEL: H54, H53, H50, I38, I28

### مقدمه

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است. رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی مانند بعد زیستی (سلامت جسمی در مقابل معلولیت و بیماری) و سلامت روانی (ترکیب جمعیت، امید به زندگی، تغذیه و...)؛ بعد حقوقی (قوانین حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان و...)، بعد اجتماعی (امنیت، مهارت اجتماعی، اشتغال، خانواده، جمعیت، گروه‌های در معرض خطر از جمله زنان

و کودکان و مشارکت اجتماعی) و بعد اقتصادی (بررسی فقر، امنیت، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه‌ای، اقتصاد خیریه‌ای و غیرانتفاعی، عدالت اجتماعی، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر و...) را دربر می‌گیرد (زاهدی اصل، ۱۳۷۳)؛ بنابراین رفاه اجتماعی که به جنبه‌های مختلف کرامت زندگی بشر مرتبط است، در دهه‌های اخیر در متون و نگرش‌های اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تبیین شده و مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله جهت‌گیری‌های بین‌المللی در این راستا می‌توان به گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ اشاره کرد که در آن بر لزوم رشد اقتصادی همراه با بهبود اساسی آموزش و بهداشت و زیرساخت‌ها در سیاست‌های فقرزدایی در تمام کشورهای جهان تأکید شده است. همچنین با طرح ایده «ظرفیت و کارکردهای انسانی» این واقعیت آشکار شد که دستیابی به زندگی بهتر، بیش از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است.

با توجه به دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که رفاه اجتماعی دربر می‌گیرد، تأمین رفاه فرد و اجتماع از سوی دولت از دیرباز میان متفکران و جوامع مختلف مورد بحث بوده و شامل اقدامات دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، فرهنگی و... می‌شود. با توجه تجربه کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، تأمین و تدارک خدمات اجتماعی باید ابتدا به صورت جامع توسط دولت انجام، و سپس با مداخله‌های هدفمندتر پیگیری شود (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵)؛ از این رو اقدامات بین‌المللی در راستای تشویق سران کشورها به انجام کارهای مؤثر برای برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش و... زیر نظر برنامه «اهداف توسعه هزاره» انجام شده است (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰). بنابراین الزاماتی که از سوی نهادهای بین‌المللی در راستای ایجاد رفاه اجتماعی و توسعه انسانی پیش روی دولت‌ها قرار گرفته است.

علاوه بر این مورد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأمین نیازهای اساسی، آموزش و پرورش رایگان، برخورداری از تأمین اجتماعی، کاهش و درنهایت ریشه‌کنی فقر در ابعاد گسترده به‌مثابه یک هدف پراهمیت و اساسی مورد توجه قرار گرفته و این امر در تعداد زیادی از اصول قانون اساسی تبلور یافته است؛ از این رو مبارزه با فقر در حوزه‌های مختلف و افزایش رفاه اجتماعی مردم از جمله الزامات پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به اینکه اتخاذ سیاست‌های متفاوت در تخصیص منابع بخش عمومی به امور مختلف، پیامدهای رفاهی و توزیعی گوناگونی را دربر دارد، بنابراین اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی هوشمندانه و سنجیده از سوی دولت در راستای ارتقای سطح رفاه اجتماعی که جامعیت، انسجام و قابلیت اجرایی و اثربخشی مناسبی داشته باشد و برقراری تناسب صحیح بین نقش و ظرفیت‌ها و توانایی‌های دولت برای بهبود بخشیدن به عملکرد دولت مهم است. بنابراین اولویت‌بندی، برای اثربخشی هزینه‌های دولت در زمینه‌های مختلف در راستای نیل به اهداف، ضروری است.

در این مقاله سعی شده است اثر ترکیب بودجه‌ای دولت بر رفاه اجتماعی از طریق شاخص‌های رفاه آمارتیاسن و توسعه انسانی و شاخص سرشمار فقر مورد بررسی قرار گیرد. هدف این تحقیق تعیین اثربخشی هزینه‌های دولت بر جنبه‌های مختلف رفاه اجتماعی است. این مقاله در چهار بخش تدوین شده است. در بخش دوم پس از بیان مقدمه مروری بر ادبیات موضوع و مطالعات انجام‌شده درباره تأثیر عملکرد دولت بر شاخص‌های رفاه اجتماعی بیان شده است، و در ادامه مدل تجزیه و تحلیل نتایج برآورد و بررسی آزمون‌های مربوطه انجام شده و در بخش پایانی نتیجه‌گیری تحقیق آورده شده است.

## ۱. ادبیات موضوع و مروری بر مطالعات انجام شده

### ۱-۱. ادبیات موضوع

رفاه اجتماعی به مثابه توسعه استانداردهای زندگی انسان‌ها از مهم‌ترین مقوله‌های اقتصادی-اجتماعی است که در متون اقتصادی تبیین و بررسی شده و تأمین رفاه افراد جامعه از سوی دولت از دیرباز میان متفکران و صاحب‌نظران مورد بحث بوده است. رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را دربر می‌گیرد که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد جامعه انجام می‌شود؛ حوزه‌های برنامه رفاه اجتماعی همواره گسترش یافته و در حال حاضر مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، فرهنگی و... شامل می‌شود (سامتی و صامتی، ۱۳۸۷). تجربه کشورهای غنی و فقیر در زمینه اهمیت دولت و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که آنچه امروزه علاوه بر توسعه و رشد اقتصادی شایان توجه است، توسعه و رشد اجتماعی است، زیرا دستیابی به رشد اقتصادی بدون در نظر گرفتن برنامه‌های رفاهی نمی‌تواند به ارتقای توانمندی افراد و جامعه یاری رساند. لذا این امر باعث شد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، توسعه اقتصادی-اجتماعی را مدنظر قرار دهند که نتیجه آن افزایش شاخص‌های رفاه اجتماعی است (بانک جهانی، ۲۰۰۲).

در ادبیات اقتصادی، دولت‌ها چند نقش یا وظیفه در امور اقتصادی دارند که در واقع اهداف سیاست‌گذاری بخش عمومی نیز به‌شمار می‌رود. این نقش‌ها در ادبیات مالیه عمومی با عنوان‌های «تخصیصی»، «توزیعی»، «تثبیتی» و «قانونی» مطرح است. فرایندی که طی آن، چگونگی استفاده از تمام منابع و امکانات برای تولید کالاها و خدمات عمومی تعیین می‌شود، «تخصیص» نام دارد و تعدیل‌هایی که در وضع درآمدها و ثروت‌ها صورت می‌گیرد تا جامعه به وضعیتی دست یابد که توزیع عادلانه و یا منصفانه شود، تحت عنوان نقش توزیعی دولت بررسی می‌شود. مجموعه خط‌مشی‌هایی که به منظور دستیابی به وضع پایداری در قسمت‌ها، رشد مطلوب در تولیدات و اشتغال و وجود تناسبی معتدل در تراز پرداخت‌ها اعمال می‌شود، در قالب «نقش تثبیتی» مطرح می‌شود. سرانجام، تدابیر مربوط به تدوین و حفظ مقررات اقتصادی، وظیفه قانونی حکومت را نشان می‌دهد (دادگر و کرماجانی، ۱۳۷۸). در این راستا علاوه بر تعیین حیطه حضور دولت، میزان اثربخشی فعالیت‌های دولت و تضمین ارائه خدمات اساسی و اجتماعی بسیار مهم است. بنابراین می‌توان گفت در این بین در وهله نخست، دولت‌ها، تأمین‌کنندگان جامع رفاه عمومی قلمداد می‌شوند و برنامه‌های رفاه اجتماعی از تکالیف دولت محسوب می‌شود، تا به وسیله آن زمینه تحقق عدالت اجتماعی در جامعه فراهم شود.

سیاست‌های دولت می‌تواند از سه طریق سیاست‌های هزینه‌ای، سیاست‌های مالیاتی و امور مربوط به قوانین و مقررات، بر متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله رفاه و فقر تأثیرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین این موارد در بخش هزینه‌ای دولت است که می‌تواند از کانال‌های متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش رفاه و کاهش فقر تأثیرگذار باشد (بانک جهانی، ۲۰۰۵). در این راستا مدنظر قرار دادن یک نوع هزینه و یا کل میزان هزینه‌های دولت، محدودیت‌هایی را دربردارد. بررسی اثر نوع خاصی از هزینه‌های یک بخش، باعث بیش از حد برآورد شدن اثر سرمایه‌گذاری در آن بخش می‌شود و امکان مقایسه میزان اثربخشی سایر بخش‌ها سلب می‌شود و همچنین در نظر گرفتن کل هزینه‌های دولت بر فقرزدایی مانع اولویت‌بندی در هزینه‌های دولت می‌شود، درحالی‌که تخصیص بهینه و تعیین اولویت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف برای دولت‌ها یک ابزار کلیدی برای کاهش فقر و نابرابری در هر

کشور است (بانک جهانی، ۲۰۰۷)؛ بنابراین در بررسی انواع هزینه‌ها امروزه بیشتر مورد تأکید قرار دارد. از این رو با بررسی ترکیب بودجه دولت در بخش‌های مختلف و بررسی اثربخشی بر شاخص رفاه اجتماعی می‌توان دیدگاه مناسبی را در راستای میزان اثربخشی و میزان، حیطة و اندازه دخالت دولت ارائه کرد. بنابراین در این مقاله سعی شده است میزان تأثیر ترکیب بودجه‌ای دولت بر فقر درآمدی، توسعه انسانی و شاخص رفاه اجتماعی محاسبه شود.

## ۲-۱. مروری بر مطالعات انجام‌شده

مطالعات انجام‌شده در زمینه «بررسی تأثیرات دولت بر رفاه» را می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:  
- در مقاله‌ای که با عنوان «تحلیلی بر اثرات بیرونی هزینه‌های دولت بر سطح زندگی» انجام شده است، دو فرض، «مصارف دولت به طور مستقیم بر مطلوبیت نهایی مصرف در جامعه تأثیر دارد» و «سرمایه‌های بخش عمومی به کارایی بخش خصوصی یاری می‌رساند»، در نظر گرفته شده است. در این تحقیق یک چارچوب تجزیه و تحلیل، کارایی در نظر گرفته شده و مصرف بخش خصوصی و دولتی به عنوان دو کالای جانشین تلقی شده اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در مواردی که این دو مصرف، جانشین یکدیگر هستند به دلیل اینکه مصرف عمومی بر بازارهایی مانند بازار کار تأثیر کمی دارد، هزینه‌ها و مصارف دولت ناکارا است و توانایی ارتقای سطح استاندارد زندگی را ندارد. برعکس در مواردی که مصارف دولت و بخش خصوصی مکمل یکدیگر هستند، کارایی هزینه‌های دولت در افزایش رفاه، بیشتر است (Ercolania & Azevedoa, 2014).

- در مقاله «تخصیص منابع بر رفاه» اثر مداخله‌های سیاستی، با هدف بهبود تخصیص منابع، همچنین اثر تثبیت در چرخه‌های تجاری بررسی شده است. در این مقاله از مدل تعادل عمومی پویا استفاده شده و در آن فرض شده است که هزینه‌های آموزش و پرورش عمومی از طریق مالیات و سایر هزینه‌های عمومی و از بودجه عمومی تأمین مالی می‌شوند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد اثرات دوره‌ای سیاست‌های تخصیص منابع عمومی با هدف ارتقای رفاه، وابستگی زیادی به شرایط ثبات اقتصادی دارد. در راستای افزایش رفاه، مطلوب‌تر آن است که هزینه‌های دولت به بخش‌هایی که بازار نقص بیشتری دارد (آموزش و بهداشت) هدایت شود و سیاست‌های عمومی دولت باید به فراخور شرایط اقتصادی تغییر یابد (Angelopoulou & Malleya, 2011).

- در تحقیقی با عنوان «هزینه‌ها و زیرساخت‌های عمومی و رفاه»، اثرات تصمیم‌گیری دولت بر تخصیص هزینه‌های عمومی بین افزایش بهره‌وری زیرساخت‌های عمومی و افزایش امکان مصرف عمومی برخی از کشورها بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، افزایش دائمی موجودی سرمایه‌های عمومی که از طریق کاهش مصرف دولتی تأمین می‌شود، باعث افزایش رفاه می‌شود، البته این موضوع به شرطی است که بهره‌وری سرمایه‌گذاری بخش دولتی بالا باشد و به توسعه زیرساخت‌های عمومی منجر شود (Ganellia, 2010).

- از جمله مطالعات انجام‌شده در مورد اثرات دولت بر فقر، توزیع درآمد و رفاه می‌توان به مطالعات فن و همکاران ۱ درباره کشورهای مختلف از جمله هند (۲۰۰۰)، چین (۲۰۰۲)، تایلند (۲۰۰۲)، ویتنام (۲۰۰۴)، اوگاندا (۲۰۰۴) و تانزانیا (۲۰۰۶) اشاره کرد. در این پژوهش‌ها اثرات انواع هزینه‌های دولت در بخش‌های مختلف از جمله راه، برق، آب، مخابرات، آموزش، بهداشت و تحقیق و توسعه بر شاخص‌های بهره‌مندی افراد فقیر و افزایش رفاه در

کشورهای مختلف بررسی شده است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که انواع هزینه‌های دولت با توجه به ماهیت آن، نتایج متفاوتی بر سطح رفاه دارند. هزینه‌های دولت در کشورهایی با درآمد پایین مانند هند و اوگاندا در بخش آموزش و برخی از زیرساخت‌ها مانند راه، اثر قابل توجهی بر کاهش فقر و افزایش رفاه داشته‌اند. اما نتایج در کشوری با درآمد متوسط مانند تایلند نشان می‌دهد، هزینه‌های دولت در بخش آموزش ابتدایی بازدهی چندانی نداشته و توسعه زیربنایی در بخش برق دارای توجیه‌پذیری بیشتری در افزایش سطح رفاه بوده است.

- بررسی هزینه‌های دولت در بخش‌های کشاورزی، بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل، تأمین اجتماعی، و دفاعی در مناطق زیر صحرای آفریقا با روش تعادل عمومی نشان می‌دهد که هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی و حمل‌ونقل کمترین اثر را بر کاهش فقر درآمدی داشته و هزینه‌های دولت در بخش بهداشت، بیشترین کارایی را در فقرزدایی و توسعه انسانی دارا بوده است (Lofgren & Rabinson, 2004).

- گومانی و همکاران (۲۰۰۳) اثرات کمک‌هزینه‌های دولت در بخش‌های مختلف بر رفاه اجتماعی را در بین ۱۰۴ کشور بررسی کرده‌اند. در این مطالعه کشورها با دو گروه درآمد کم و متوسط در نظر گرفته شده‌اند و در یک مدل اقتصادسنجی، تأثیرات ترکیبات مخارج دولت بر شاخص‌های رفاه برآورد شده است. براساس این نتایج، مخارج دولت باعث افزایش رفاه شده است و این اثربخشی در کشورهای با درآمد کمتر دارای کارایی بیشتری نسبت به کشورهای با درآمد بیشتر است (Gomanee & Mosely, 2003).

- در کشور بولیوی تحلیل فایده نهایی سرمایه‌گذاری و هزینه‌های دولت نشان داده است که فایده‌های نهایی هزینه‌های دولت در بخش آموزش برای بهره‌مند کردن افراد فقیر، بیشتر از زیرساخت‌های اساسی بوده است. (Ajwad & Wodon, 2001).

در ایران نیز پژوهش‌هایی درباره اثرات دولت بر رفاه و کاهش فقر انجام شده است.

- یکی از این پژوهش‌ها به بررسی تأثیر هزینه‌های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق مختلف ایران، براساس اطلاعات سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۶۰) پرداخته است که نتایج این تحقیق حاکی از معنی‌دار بودن تأثیر هزینه‌های انجام‌شده روی زیرساخت‌های روستایی و نیز معنی‌دار بودن نقش این زیرساخت‌ها در توسعه مشاغل غیرکشاورزی و کاهش فقر و افزایش رفاه در مناطق روستایی بوده است (ناصری، باسحا و...، ۱۳۸۸).

- در مطالعه دیگری با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری‌های دولت در زمینه فقرزدایی، اثرات مستقیم و غیرمستقیم برخی از انواع این سرمایه‌گذاری‌ها بر کاهش فقر و رشد بهره‌وری کل در مناطق روستایی ایران از طریق سیستم معادلاتی، شامل متغیرهای مؤثر بر فقر و رشد بهره‌وری بررسی شده است. براساس نتایج به‌دست‌آمده، حساسیت‌های فقر روستایی نسبت به سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستایی، و جاده‌سازی، بیش از سایر سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در امور روستایی بوده و سرمایه‌گذاری در تحقیقات کشاورزی تأثیر مثبتی بر رشد بهره‌وری کل داشته است (ترکمانی و جمالی‌مقدم، ۱۳۸۷).

- در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در ایران: دوره زمانی (۱۳۸۲-۱۳۶۰)» نتایج، حاکی از آن است که مخارج دولت در بخش‌های بهزیستی، آموزش و بهداشت، تأثیر مثبتی بر رفاه اجتماعی داشته است. همچنین اثر درآمدهای نفتی دولت در بودجه، بر رفاه اجتماعی مثبت بوده است. هرچند ضریب هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی علامت مثبت دارد، ولی چون ضریب آماری آن معنی‌دار نیست، به‌نظر

می‌رسد که هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی تأثیری ندارد (سامتی، صامتی و رسول قضاوی، ۱۳۸۷).

- در مقاله «اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران» این نتیجه به دست آمده است که مالیات بر مصرف، بهترین نظام مالیاتی برای ایران است، برای همین منظور از مدل ماندل-فلمینگ استفاده شده است. آزمون مدل کلان سنجی استفاده شده برای سه نظام مالیاتی (مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف) با توجه به شوک بدهی دولت به سیستم بانکی، حاکی از این است که نظام مالیات بر مصرف، ثبات بیشتری در متغیرهای هدف شاخص قیمت‌ها، شاخص دستمزدها، رفاه خانوار و واردات، ایجاد می‌کند و این امر نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌های مالی دولت بر مالیات بر توزیع درآمد است (مجتهد و احمدیان، ۱۳۸۶).

- در مطالعه‌ای دیگر، بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری دولت بر فقر روستایی نشان داده است که سرمایه‌گذاری در توسعه و عمران روستایی، جاده‌سازی، تحقیق و توسعه کشاورزی، آبیاری و بهداشت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارند (ترکمانی و جمالی مقدم، ۱۳۸۴).

- در پژوهشی با عنوان «تعیین اثر سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت بر توزیع درآمد در ایران» این نتایج به دست آمده است که مخارج اجتماعی دولت تأثیر مثبتی بر بهبود توزیع درآمد داشته‌اند و پیشنهاد شده است، مخارج خدمات بهداشتی به گروه‌های کم‌درآمد تعلق گیرد. همچنین سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت با تکیه بر نرخ رشد اقتصادی پایدار و به‌طور مستمر انجام شود. نظام آموزشی کشور به‌منظور متنوع‌سازی دروس و بهبود ظرفیت‌های آموزگاران، مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گیرد. در مجموع این پژوهش بیان کرده است که چنانچه هدف سیاست‌گذاری، کاهش ضریب جینی باشد و اصلاحات مذکور به درستی انجام شود، میزان اثرگذاری سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت در راستای بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه افراد فقیر، بیش از پیش افزایش خواهد یافت (غفاری، ۱۳۸۴).

- مطالعه دیگری با عنوان «بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی کشور» نشان می‌دهد، هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی عاملی بسیار مهم بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و کاهش فقر و افزایش رفاه در مناطق روستایی کشور بوده است (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳).

- در تحقیقی با موضوع «بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی» نشان داده شده است که میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات قابل تملک زندگی در هزینه‌های خانوار انعکاس می‌یابد و بهره‌مندی از امکانات عمومی زندگی از قبیل آب لوله‌کشی، برق، گاز لوله‌کشی، تلفن و دارایی‌های خانوار (مسکن و کالاهای بادوام) لزوماً در هزینه‌های سرانه ظاهر نمی‌شود. میزان برخورداری از امکانات حقوقی و فرهنگی تأثیر مستقیمی بر رفاه دارد (نیلی، ۱۳۷۴).

- در مقاله‌ای با عنوان «رفاه اجتماعی و برنامه‌ریزی در اقتصاد ایران» هاشم پسران و همکاران، جنبه‌های مختلف برنامه‌ریزی اقتصادی بر رفاه در ایران را بررسی کرده‌اند. در این مقاله به روند توزیع درآمد و توسعه کمی و کیفی خدمات رفاهی در سطح‌های آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی، وضعیت سکونت و میزان استفاده از کالاهای بادوام پرداخته شده است و نتایج این بررسی نشان داده است، رشد کم‌نظیر اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۲ باعث توسعه اقتصادی و اجتماعی نامتناسب در مناطق مختلف کشور شده و این امر باعث ایجاد شکاف رفاهی در مناطق روستایی و شهری شده است (پسران، ۱۳۵۵).

## ۲. معرفی مدل

در این مطالعه به منظور بررسی میزان اثربخشی ترکیب بودجه‌ای هزینه‌های دولت بر شاخص‌های رفاه در ایران از الگوی مدل گومانی (۲۰۰۳) استفاده شده است. از آنجا که علاوه بر شاخص‌های درآمدی، شاخص‌های توزیعی درآمد و دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی مانند آموزش و بهداشت بر رفاه مهم هستند (Reddy & Pogge, 2002)، همچنین با توجه به اینکه اثرات هزینه‌های دولت بر رفاه و توسعه، ابعاد گوناگونی دارد و سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی مستقیم که در کاهش ابعاد غیردرآمدی فقر (بهداشت و آموزش) هدف‌گذاری می‌شود، ممکن است در افزایش رفاه افراد فقیر از رشد اقتصادی اهمیت بیشتری داشته باشند (World Bank, 2001) و این هزینه‌ها می‌تواند رفاه افراد فقیر را از طریق ابزارهایی مانند دسترسی همگانی به آموزش ابتدایی و مراقبت‌های بهداشتی بهبود بخشد (Gomanee, 2003)، بنابراین در این مدل تأثیر انواع هزینه‌های دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی بر شاخص فقر سرشمار به‌عنوان شاخص پولی درآمد و رفاه، شاخص توسعه انسانی به‌عنوان شاخص دستیابی به کیفیت ابعاد مختلف زندگی مانند دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی و... و شاخص رفاه سن به‌عنوان شاخص درآمدی و توزیعی در نظر گرفته شده است و اثرات هزینه‌های مختلف دولت بر سه بعد درآمد، توزیع و توانمندی بررسی می‌شود.

### ۲-۱. معرفی متغیرها

برای اندازه‌گیری میزان رفاه اجتماعی، شاخص‌هایی وجود دارد که می‌توان آنها را در دو دسته شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص‌های فقر انسانی تقسیم‌بندی کرد (سامتی و صامتی، ۱۳۸۷). در این مطالعه بنا به مواردی که در بخش پیشین اشاره شد، سه شاخص فقر سرشمار، توسعه انسانی و شاخص رفاه سن در نظر گرفته شده است که به شرح زیر هستند:

#### ۲-۱-۱. شاخص فقر سرشمار

شاخص فقر سرشمار براساس نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف شده و خط فقر نسبی براساس روش میانگین هزینه‌ای تعیین شده است. یکی از روش‌های محاسبه خط فقر، استفاده از میان آماری است. در این روش میان داده‌ها تعیین، و پس از آن هزینه انجام‌شده توسط خانوار مذکور به‌عنوان هزینه میان، مورد استناد قرار گرفته و پس از آن نصف (در برخی از کشورها دوسوم هزینه خانوار مذکور) آن را به‌عنوان چارک اول یا خط فقر نسبی تلقی می‌کنند (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۲). نتایج این محاسبه خط فقر سرشمار در نمودار شماره (۱) آمده است.

---

## ۲. Gomanee

۳. فرض کلیدی در محاسبه خط فقر، نرمال بودن توزیع درآمد در کشور است که در صورت وجود چولگی در توزیع درآمد، باید تعدیلی در این روش صورت پذیرد. به دلیل اینکه طی ۴ دهه گذشته در اقتصاد ایران همواره میان هزینه‌ای خانوارها پایین‌تر از میانگین آن قرار داشته، بنابراین توزیع درآمد (هزینه) طی سال‌های موردنظر به‌صورت چوله راست بوده است، یعنی گروه‌های زیادی از خانوارهای جامعه در سطوح پایین هزینه‌ای هستند. بنابراین برای محاسبه خط فقر در اقتصاد ایران به‌جای استفاده از هزینه‌های خانوارها باید از میانگین هزینه‌ای خانوارها استفاده شود.

نمودار شماره (۱). روند شاخص‌های توسعه انسانی در ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۲)

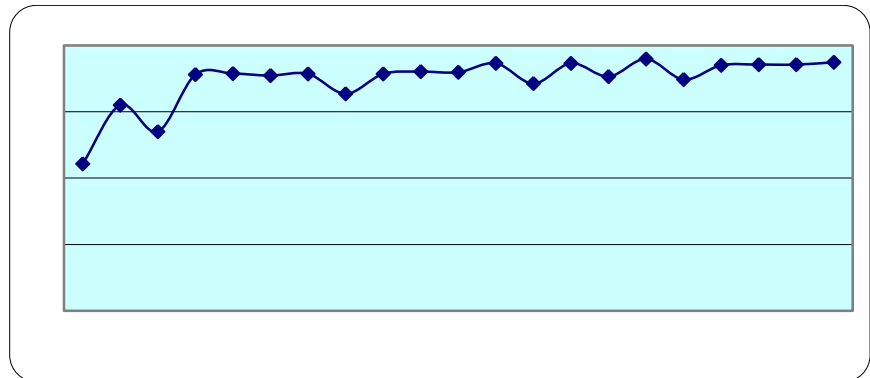


منبع: وزارت امور اقتصادی و دارایی

۲-۱-۲. شاخص توسعه انسانی

این شاخص به‌عنوان یک واحد سنجش توسعه‌یافتگی کشورها براساس سه معیار امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص داخلی سرانه، محور اصلی گزارش‌های توسعه انسانی قرار می‌گیرد. بر این اساس، شاخص توسعه انسانی در ایران از ۰/۴۴۳ واحد در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به ۰/۶۸۵ واحد در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) ارتقا یافته و در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) به ۰/۷۴۹ واحد رسیده است. میزان رشد شاخص توسعه انسانی در ایران طی سال‌های (۱۹۹۰-۱۹۸۰)، (۲۰۰۰-۱۹۹۰) و (۲۰۱۳-۲۰۰۰) به ترتیب ۱/۱۹، ۱/۶۹ و ۱/۰۷ درصد بوده است (نمودار شماره ۱). در سال ۲۰۱۳ ایران در رتبه ۷۵ جهان قرار دارد که در پنج سال اخیر پس از سنگاپور و عربستان سعودی با ۱۰ پله ارتقا بیشترین افزایش را در رتبه کشوری داشته است. ایران در این شاخص در رده کشورها با توسعه انسانی بالا قرار دارد.

نمودار شماره (۲). روند شاخص‌های توسعه انسانی در ایران



منبع: گزارش‌های توسعه انسانی

شاخص امید به زندگی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص در حوزه سلامت از ۵۱/۱ سال در سال ۱۹۸۰ به ۷۱/۳ سال در سال ۲۰۰۵ رسید و در سال ۲۰۱۳ به ۷۴ سال افزایش یافت. در بخش آموزش گزارش سازمان ملل، دو شاخص سال‌های موردانتظار تحصیل (کودکان) و متوسط سال‌های تحصیل (بزرگسالان) به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی وضعیت آموزش لحاظ شده است. سال‌های مورد انتظار تحصیل (کودکان) در سال ۱۹۸۰ برابر ۸/۷ سال بوده که در سال ۲۰۰۵ به ۱۱/۵ افزایش یافته و این روند تا سال ۲۰۱۳ ادامه داشته و به ۱۴/۴ رسیده است. در متوسط تعداد سال‌های تحصیل بزرگسالان نیز این روند افزایش، مشهود است؛ به‌گونه‌ای که این شاخص‌ها در سال‌های ۱۹۸۰، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۲/۱، ۷ و ۷/۸ بوده است.



### ۳-۱-۲. رفاه اجتماعی (آمارتیا سن)

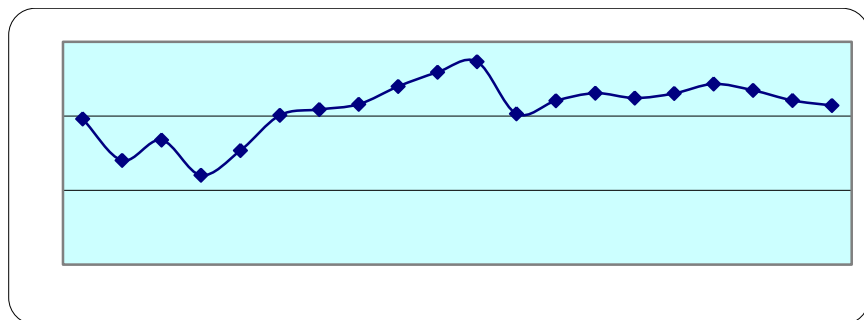
مفاهیم مختلف اقتصادی و اجتماعی با روش‌های گوناگونی به صورت کمی تعریف می‌شوند. یک معیار عملکرد که می‌تواند برای متغیر رفاه مورد بررسی، استفاده شود، شاخص رفاه اجتماعی آمارتیا سن است که چنین تعریف می‌شود:

(۱)

$$sw = \mu(1 - G)$$

متغیرهای اصلی در این شاخص، درآمد سرانه ( $\mu$ ) و ضریب جینی ( $G$ ) هستند. در واقع حاصل ضرب درآمد سرانه در تفاضل ضریب جینی از عدد ۱ (شاخص بهبود توزیع درآمد) می‌تواند تحلیلی بر تغییرات درآمدی (رشد یا رکود) و تغییرات در توزیع درآمد در سال‌های مختلف را به طور هم‌زمان ارائه کند؛ در نتیجه این تابع امکان مقایسه سطح رفاه اجتماعی را در سال‌های مختلف فراهم می‌کند. مقادیر این شاخص در نمودار شماره (۳) طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۲ آمده است.

نمودار شماره (۳). روند شاخص رفاه اجتماعی کل کشور طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۹۲ (ثابت ۱۳۷۶)



منبع: آمار بانک مرکزی

شاخص بالا نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از نظر رفاه اجتماعی، بهترین وضعیت را در سال ۱۳۸۳ و بدترین وضعیت را در سال ۱۳۶۷ داشته است. کاهش شدید رفاه اجتماعی در سال ۱۳۶۷ به کاهش درآمد سرانه بازمی‌گردد که در این سال به کمترین میزان خود معادل ۲۴۹۷/۷ هزار ریال رسیده است. در طول سال‌های اخیر به دلیل کند شدن روند کاهشی درآمد، شاخص رفاه سن، روندی کاهشی داشته است.

### ۴-۱-۲. هزینه‌های دولت

در این مدل براساس ادبیات موجود و داده‌های بودجه‌ای اقتصاد ایران، هزینه‌های دولت در بخش‌های مختلف بهداشت و درمان، آموزش ابتدایی و متوسطه و عالی، تأمین اجتماعی و بهزیستی، تأمین مسکن، عمران و توسعه شهری، عمران و توسعه روستایی، برق، آب، مخابرات و حمل‌ونقل و هزینه‌های نظامی (به‌عنوان شاخص امنیت) در نظر گرفته شده است. این هزینه‌ها از بودجه‌های سالیانه استخراج شده است.

### ۲-۲. معرفی مدل

براساس مدل گومانی متغیرهای درآمد سرانه، مخارج موزون و غیرموزون مؤثر دولت در فصل‌های مختلف بودجه‌ای (وزن و کشش هر کدام از بخش‌ها از طریق فرمول‌های ارائه‌شده به دست می‌آید)، به‌عنوان متغیرهای مستقل بر شاخص‌های فقر سرشمار، توسعه انسانی و رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده است. اهمیت بررسی هزینه‌های دولت به صورت موزون و غیرموزون در آن است که میزان اثربخشی هریک از هزینه‌ها در برآورد مدل، مورد بررسی قرار

می‌گیرد.

مراحل تخمین در این مدل به شرح زیر است:

(۲)

$$w = \beta_0 + \beta_1 Y + \beta_2 Gp + \varepsilon$$

w: شاخص‌های رفاه اجتماعی

Y: درآمد سرانه

Gp: هزینه‌های دولت در زمینه‌های کاهش فقر و افزایش رفاه

در برآورد الگوی موردنظر، مراحل مختلفی وجود دارد. با توجه به اینکه سیاست‌های حمایتی در راستای رفاه و نفع‌رساندن به افراد فقیر جامعه از طریق تخصیص اعتبارات ترکیب‌های هزینه‌ای دولت محقق می‌شود، بنابراین فرض می‌شود هزینه‌های دولت در زمینه افزایش رفاه و کاهش فقر (Gp) تابعی از درآمدهای دولت (Gr) و کمک‌های عمومی مستقیم غیردولتی (A) که برابر میزان هزینه‌کرد سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی در خدمات اجتماعی طبق محاسبات حساب‌های ملی و برآورد وزارت کشور می‌باشد، در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است، شواهد زیادی دال بر نقش مالیات به‌عنوان یک جنبه مهم از سیاست‌های مالی به‌عنوان ابزار توزیع دوباره در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود دارد که در متغیر درآمدهای دولت گنجانده شده است.

(۳)

$$Gp = \alpha_0 + \alpha_1 Y + \alpha_2 A + \alpha_3 Gr + u$$

گام بعدی در این مدل، معرفی روش برآورد متغیر هزینه‌های مؤثر و موزون دولت ۴ است که در این بخش برای هزینه‌های عمومی در امور مختلف یک برآورد ساده از هر سه شاخص فقر سرشمار (p)، رفاه اجتماعی (SW) و توسعه انسانی (HDI) به‌طور مجزا و درآمد سرانه (GDPO) صورت می‌گیرد. در این زمینه خاطرنشان می‌شود، برخی از رده‌های مختلف از هزینه‌های عمومی در ادبیات اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان حامی فقرا به رسمیت شناخته می‌شود که شامل هزینه‌های تأمین اجتماعی، بهداشت، آموزش، حمل‌ونقل و... می‌باشند (Verschoor, 2002). در این قسمت برآورد هزینه‌های مؤثر بر شاخص‌های رفاه و توسعه مشخص می‌شود و پس از آن تأثیرات این هزینه‌ها بر شاخص‌های موردنظر بررسی می‌شود. در بخش‌های مختلف این برآورد، معادله‌ها با رویکرد ۵ ARDL به‌دست آمده است.

در این بخش آنچه مهم است، بررسی اثرات افزایش یک درصد از هزینه‌های دولت در یک بخش مشخص بر شاخص‌های فقر و رفاه است. در این برآورد کسش هزینه‌های مختلف دولت بر شاخص رفاه و فقر توسط  $\beta$  تعیین می‌شود.

(۴)

$$\beta = \partial \ln(P) / \partial \ln(Gp)$$

کسش‌ها و ضرایب بالاتر نشان‌دهنده اثرات بیشتر هزینه‌های دولت در آن بخش بر شاخص نهایی فقر، رفاه و توسعه است (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱). تخمین اثرات هزینه‌های دولت بر شاخص توسعه انسانی، رفاه و فقر در ایران

رفاه اجتماعی	توسعه انسانی	فقر	
۲/۶۳۵	۰/۲۱۹	-۰/۲	
(۱۱/۵۳)	(۱۹/۵۱)	(-۱/۷۸)	LGDP0
-۰/۱۷۴	۰/۰۱۰	-۰/۵۹	هزینه بخش بهداشت
(۱/۷۶)	(۲/۱۲)	(-۱/۹۵)	(Log/GDP)
۰/۶۸	۰/۸۵	۰/۷۳	R2
۱/۹۶۲	۰/۱۰۲	-۰/۰۱۵	
(۱۱/۵۳)	(۲۲/۶۶)	(-۰/۰۵)	LGDP0
۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	-۰/۴۱	هزینه بخش آموزش ابتدایی
(۴/۰۶)	(۱/۹۸)	(-۲/۳۳)	و متوسطه (Log/GDP)
۰/۷۲	۰/۸۹	۰/۶۴	R2
۱/۳۲	۰/۱۰۳	-۰/۴۵	
(۳/۳۵)	(۱۹/۷۰)	(-۱/۱۸۰)	LGDP0
۰/۱۰۳	۰/۰۰۰۸	۰/۰۱۶	هزینه بخش آموزش عالی
(۱/۴۸)	(۱/۸۴)	(۰/۱۵)	(Log/GDP)
۰/۷۶	۰/۸۰	۰/۵۷	R2
۱/۲۳۸	۰/۱۰۳	-۰/۵۹	
(۳/۴۰)	(۱۷/۴۵)	(-۱/۰۹)	LGDP0
۰/۰۳۵	۰/۰۰۰۲۳۵	-۰/۲۳۹	هزینه بخش تأمین اجتماعی
(۱/۷۲)	(۱/۶۱)	(-۷/۴۳)	و بهیستی (Log/GDP)
۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۶۸	R2
۱/۴۴	۰/۱۳	-۰/۱۱۳	
(۳/۷۸)	(۲۹/۸۶)	(-۱/۸۴)	LGDP0
-۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	۰/۱۱۲	هزینه بخش تأمین مسکن
(-۰/۴۲)	(۱/۲۵)	(۲/۷۱)	(Log/GDP)
۰/۷۳	۰/۸۵	۰/۷۱	R2
۱/۳۹۴	۰/۱۰۲	-۰/۱۲	
(۳/۲۹)	(۱۹/۵۷)	(-۱/۸۴)	LGDP0
-۰/۰۱۵۴	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۹	هزینه بخش عمران و
(-۰/۵۵)	(۱/۷۵)	(-۱/۵۸)	توسعه روستایی (Log/GDP)
۰/۷۳	۰/۸۷	۰/۸۷	R2

۱/۰۷۸	۰/۰۰۸	-۰/۵۷	
(۳/۲۶)	(۱۹/۰۴)	(-۲/۸۱)	LGDP0
۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۸	-۰/۰۱	هزینه بخش عمران و توسعه شهری (Log/GDP)
(۰/۲۵)	(۱/۱۸)	(-۱/۰۲)	
۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۶۵	R2
۱/۳۳۷	۰/۱۰۴	-۰/۳۷	
(۳/۸۳)	(۲۹/۸۶)	(-۱/۱۸)	LGDP0
۰/۰۳۴۵	۰/۰۰۰۲۸	-۰/۰۲۹	هزینه بخش مخابرات (Log/GDP)
(۱/۹۷)	(۱/۲۵)	(-۲/۳۱)	
۰/۷۴	۰/۸۶	۰/۶۷	R2
۱/۳۹۷	۰/۱۱۴	-۰/۰۱۷	
(۴/۰۳)	(۱۸/۵۳)	(-۰/۳۷)	LGDP0
۰/۱۲۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۲۲	هزینه بخش حمل و نقل (Log/GDP)
(۰/۹۹۶)	(۰/۹۱)	(-۱/۹۶)	
۰/۷۵	۰/۸۲	۰/۷۰	R2
۱/۵۷۴	۰/۱۰۲	-۰/۰۵۲	
(۳/۴۵)	(۱۸/۵۹)	(-۱/۶۵)	LGDP0
۰/۰۱۶	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۸۳	هزینه بخش آب و فاضلاب (Log/GDP)
(۱/۰۹)	(۱/۸۷)	(-۲/۳۱)	
۰/۷۴	۰/۸۹	۰/۶۵	R2
۱/۴۸	۰/۱۰۲	-۰/۳۳	
(۴/۱۲)	(۱۹/۳۴)	(-۱/۱۴)	LGDP0
۰/۰۴۷۹	۰/۰۰۰۱۲	۰/۰۰۸۸	هزینه بخش برق (Log/GDP)
(۱/۱۵)	(۰/۳۲)	(۰/۲۷)	
۰/۷۴	۰/۸۷	۰/۵۸	R2

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که درآمد بالاتر (GDP0) همواره با سطوح بالاتر رفاه برای مردم فقیر در ارتباط است. مخارج دولت بر بهداشت و درمان تأثیر مطلوب قابل توجهی بر فقر، رفاه اجتماعی و HDI دارد. با توجه به اینکه متغیرها به صورت لگاریتم در نظر گرفته شده‌اند، یک درصد افزایش در این هزینه، باعث کاهش ۰/۵۹ درصدی فقر و افزایش ۰/۱۰ و ۰/۱۷۴ درصدی HDI و رفاه اجتماعی می‌شود. هزینه‌های عمومی در بخش آموزش ابتدایی و متوسطه باعث افزایش ۰/۰۰۴ درصدی شاخص توسعه انسانی و ۰/۰۰۲ درصدی شاخص رفاه اجتماعی و کاهش ۰/۰۴۱ درصدی فقر می‌شود؛ در مقابل، هزینه‌های دولت در بخش آموزش عالی بر رفاه و کاهش فقر تأثیر معنی‌داری ندارد. در امور

اجتماعی، هزینه‌های مستقیم دولت در رفاه اجتماعی و بهزیستی تأثیر قابل توجهی در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی داشته و هزینه‌های دولت در بخش تأمین مسکن، توسعه و عمران شهری و روستایی تأثیر معنی‌داری بر شاخص‌های رفاه، توسعه و فقر ندارد (فقط عمران روستایی بر شاخص توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد).

نتایج هزینه‌های دولت در زمینه توسعه برای دسترسی به زیرساخت‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری عمومی در بخش ارتباطات و آب تأثیر قابل توجهی در فقر و رفاه اجتماعی دارد و همچنین هزینه‌های عمومی در بخش حمل‌ونقل می‌تواند فقر را کاهش دهد. هزینه‌های عمومی در بخش برق، تأثیر قابل توجهی در شاخص رفاه را نشان نمی‌دهد.

بنابراین هزینه دولت غیرموزون در کاهش فقر (PPEP)، افزایش رفاه اجتماعی (PPESw) و توسعه انسانی (PPEHDI) به صورت زیر محاسبه می‌شود.

(۵)

$$PPEP \square \square Ph \square \square Pe \square \square Ps + Pt + Pw + Ptr$$

$$PPEHDI \square \square Ph \square \square Pe + Pw + Prd$$

$$PPESW \square \square Ph \square \square Pe \square \square Ps + Pt$$

Pe: هزینه‌های دولت در بخش آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Ph: هزینه‌های دولت در بخش بهداشت (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Ps: هزینه‌های دولت در بخش تأمین اجتماعی و بهزیستی (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Pt: هزینه‌های دولت در بخش مخابرات (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Pw: هزینه‌های دولت در بخش آب (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Ptr: هزینه‌های دولت در بخش حمل‌ونقل (سهم از تولید ناخالص داخلی)

Prd: هزینه‌های دولت در بخش عمران و توسعه روستایی (سهم از تولید ناخالص داخلی)

گام بعدی در برآورد مؤثرتر اثر هزینه‌های دولت بر شاخص رفاه اجتماعی، توسعه انسانی و فقر، محاسبه کشش هریک از هزینه‌های معنی‌دار دولت است. شاخص هزینه‌های موزون از طریق هزینه‌هایی که اثرات معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند به دست می‌آید. محاسبه اثرات هزینه‌های دولت از طریق هزینه‌های موزون و مؤثر باعث می‌شود که امکان برآورد کارایی اثرات دولت بر متغیرهای رفاه و فقر فراهم شود. هریک از هزینه‌های مؤثر بر متغیرهای وابسته امکان تأثیرگذاری بر ضرایب کشش هریک از هزینه‌های دولت (PPE) از طریق فرمول  $\beta$  به دست می‌آید.

(۶)

$$\beta h = \frac{\text{ضریب رگرسیون } Ph * \text{معیار انحراف ضریب رگرسیون } Ph}{\text{انحراف معیار متغیر تابع}}$$

پس از تخمین معادلات، وزن‌های هریک از هزینه‌هایی که بیانگر کشش است و برآورد هزینه‌های موزون دولت بر کاهش فقر (PPEWP)، افزایش رفاه اجتماعی (PPEWSW) و توسعه انسانی (PPEWHDI) به شرح زیر است:

(۷)

$$Ptr \ 0/04 \ Pw+0/03 \ Pt+0/086 \ Ps+0/158 \ Pe \square \square 0/196 \ Ph \square \square 0/23 \ PPEWP \square \square \square$$

$$Prd \ 0/001 \ Pw+ \ 0/025 \ Pe \square \square 0/27 \ Ph \square \square 0/69 \ PPEWHDI \square \square \square$$

یکی از مراحل در این برآورد، محاسبه رگرسیون هزینه‌های تأثیرگذار دولت بر کاهش فقر و افزایش توسعه و رفاه است. در این بخش هزینه‌های موزون و غیرموزون مؤثر دولت بر فقر، رفاه اجتماعی و توسعه انسانی بررسی می‌شود. در زمینه هزینه‌های تأثیرگذار بر کاهش فقر و افزایش رفاه، متغیرهای دخیل می‌توانند درآمد سرانه کشور، درآمدهای دولت (به‌عنوان تأمین مالی هزینه‌ها) و هزینه‌های عمومی مستقیم غیردولتی به‌عنوان مکمل و یا مشوق هزینه‌های دولت در نظر گرفته شوند.

در برآورد مدل، ابتدا ایستایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به‌دست آمده از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته و فیلپس پرون بیانگر آن است که برخی از متغیرها در سطح و برخی دیگر از متغیرهای به‌کارگرفته‌شده با یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند و به بیانی دیگر، متغیرهای حاضر انباشته از مرتبه یک و صفر می‌باشند. در جدول پیوست نتایج حاصل از مانایی، گزارش شده است. روی باقی‌مانده‌های مدل، آزمون ریشه واحد انجام گرفت که در سطح ایستا بوده و در نتیجه I(0) بوده‌اند که این امر بیانگر ساکن بودن جملات پسماند است. بنابراین ترکیب خطی بین متغیرها وجود داشته و رگرسیون کاذب ارائه نمی‌شود و آماره‌های F و t قابلیت اتکا دارند. در این بخش درآمدهای دولت با یک وقفه در نظر گرفته شده است. نتایج برآورد انواع هزینه‌های دولت در جدول شماره (۲) آورده شده است.

جدول شماره (۲). برآورد هزینه‌های مؤثر موزون و غیرموزون دولت بر کاهش فقر، افزایش توسعه انسانی و رفاه اجتماعی

PPEwHDI	PPEwHDI	PPEWP	PPESW	PPEHDI	PPEP	
۰/۳۱	۰/۳۱	۰/۵۱	۱/۳۳	۰/۲	۰/۱۵	Gr
(۱/۷۵)	(۱/۷۵)	(۱/۳۵)	(۱/۸۵)	(۱/۷۸)	(۱/۹۷)	A
۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۹۶	۱/۲۸	۰/۱۲	۰/۲۸	
(۰/۹۸)	(۰/۹۸)	(۲/۵۴)	(۱/۳۸)	(۱/۸۵)	(۲/۵)	GDPO
۰/۱۹۸	۰/۱۹۸	۴/۱	۲۲.۲	۸۵.۰	۰/۰۲۷-	
(۱/۸۵)	(۱/۸۵)	(۱/۹۹)	(۱/۶۸)	(۱/۷۵)	(۱/۶۵)	Constant
۱/۵۹-	۱/۵۹-	۵/۶۴-	۵/۰۸-	۵/۶-	۰/۹۸-	
(۱/۴۵)	(۱/۴۵)	(۱/۰۷)	(۰/۹۴)	(۲/۴۶)	(۱/۵۶)	
۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۷۸	R2
۲/۰	۲/۰	۱/۸۶	۱/۹۰	۱/۹۶	۱/۹۲	D. W

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول شماره (۲) مشخص است، درآمد سرانه کشور تأثیر مثبت و معنی‌داری بر افزایش هزینه‌های کاهش فقر و توسعه انسانی دارد. افزایش درآمدهای دولت موجب افزایش هزینه‌های مؤثر بر کاهش فقر و افزایش رفاه و توسعه می‌شود و کمک‌های مستقیم غیردولتی به افزایش هزینه‌های مؤثر دولت بر کاهش فقر یاری می‌رساند. در این گام به برآورد مدل نهایی و تحلیل نتایج آن پرداخته می‌شود. در این مدل، برآورد شاخص‌های فقر و رفاه اجتماعی و توسعه انسانی توسط متغیرهای درآمد سرانه و هزینه‌های عمومی مؤثر به نفع فقرا و هزینه‌های نظامی و

متغیر دامی سال‌های جنگ صورت می‌گیرد. در این معادله هزینه‌های امنیت عمومی به‌عنوان کسری از تولید ناخالص داخلی (GM) به‌عنوان شاخص امنیت در نظر گرفته شده است که می‌تواند به‌صورت مستقیم بر افزایش رفاه و کاهش فقر تأثیرگذار باشد. در این مدل سال‌های جنگ تحمیلی به‌عنوان متغیر موهومی در نظر گرفته شده است. جدول شماره (۳). برآورد اثرات هزینه‌های مؤثر موزون و غیرموزون دولت بر متغیرهای فقر، توسعه انسانی و رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی		توسعه انسانی		فقر سرشمار		
weighted Index (PPEWS)	Unweighted Index (PPESW)	weighted Index (PPEWH DI)	Unweighted Index (PPEHDI)	weighted Index (PPEWP)	Unweighted Index (PPEP)	
۱/۷۹	۲/۲۹	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۹-	۰/۰۴-	GDPO
(۲/۶۰)	(۱/۷۸)	(۴/۶۷)	(۵/۰۴)	(۱/۵۹)	(۱/۶۴)	PPE
۰/۰۲	۰/۰۱۴	۰/۷۲	۰/۳۴	۰/۱۹۶-	۰/۱۳۹-	Gm
(۲/۰۶)	(۱/۷۵)	(۱/۹۸)	(۱/۶۶)	(۱/۹۸)	(۴/۷۲)	Dum
۰/۰۲۷	۰/۱۱۶	۰/۱۹۸	۰/۰۸-	۰/۰۲۸-	۰/۰۳-	Constant
(۱/۷۵)	(۱/۹۳)	(۱/۲۵)	(۰/۹۲)	(۰/۱۵)	(۰/۱۶)	
۱/۰۴-	۰/۶۴-	۰/۰۰۹-	۰/۰۰۷-	۰/۰۲	۰/۰۲۶	
(۲/۹۷)	(۲/۴۶)	(۱/۴۵)	(۰/۸۲)	(۱/۸۴)	(۱/۷۹)	
۱/۲۶	۱/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۲	۰/۰۲-	
(۱/۹۵)	(۱/۴۶)	(۱/۵۲)	(۱/۱۵)	(۰/۳۷)	(۰/۰۴)	
۰/۶۸	۰/۷۵	۰/۶۱	۰/۸	۰/۵۸	۰/۷۸	R2

منبع: محاسبات تحقیق

طبق جدول شماره (۳) که نتایج رگرسیون اثرات هزینه‌های مؤثر دولت را بر شاخص‌های رفاه نشان می‌دهد، در شاخص فقر درآمدی، ضریب هزینه‌های موزون مؤثر بر فقر، رشد درآمد سرانه و متغیر دامی اثرات قابل‌توجهی در کاهش فقر داشته‌اند. در تابع رفاه اجتماعی، درآمد سرانه و هزینه‌های موزون و غیرموزون مؤثر دولت، اثرات مثبت و معنی‌داری بر رفاه دارد، شاخص امنیت (شاخص هزینه‌های امنیت عمومی) بر رفاه اجتماعی اثرات معنی‌داری را نشان می‌دهد. در تابع شاخص توسعه انسانی، هزینه‌های مؤثر دولت به نفع فقرا اثرات مثبت قوی‌تری را نسبت به فقر و رفاه اجتماعی دارد و درآمد سرانه نیز تأثیر معنی‌دار مثبتی بر افزایش شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد. به‌طورکلی می‌توان گفت، هزینه‌های دولت حامی فقرا، اثرات مثبت و معنی‌داری بر افزایش رفاه، توسعه انسانی و کاهش فقر داشته است. با توجه به اینکه متغیرهای این مدل به‌صورت لگاریتمی در نظر گرفته شده است، هر یک از این ضرایب، کشش متغیرها را نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که ۱ درصد افزایش هزینه‌های موزون دولت باعث افزایش ۰/۰۲ و ۰/۷۲ درصد در شاخص رفاه اجتماعی و توسعه انسانی و کاهش ۰/۱۹۶ درصدی شاخص فقر می‌شود و میزان کشش هزینه‌های غیرموزون دولت به افزایش شاخص توسعه انسانی و رفاه اجتماعی برابر ۰/۰۳۴ و ۰/۱۴ درصد و کاهش فقر ۰/۱۳۹ درصد است.

در نهایت این نتیجه به دست می‌آید که ترکیبات هزینه‌های موزون دولت بر کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی و توسعه انسانی اثرات معنی‌داری دارد و افزایش سطح درآمد به ارتقای سطح کیفی و کمی یاری می‌رساند.

نتیجه‌گیری

بررسی اثربخشی هریک از هزینه‌های دولت بر کاهش فقر، رفاه اجتماعی و توسعه انسانی با استفاده از یک چارچوب نظری و رابطه علت و معلولی براساس برآوردهای اولیه اثرات هریک از هزینه‌های دولت بر متغیرهای مستقل و در نهایت تخمین مدل، بیانگر آن است که ترکیب بودجه‌ای دولت اهمیت زیادی دارد و این امکان را به دولت می‌دهد که بدون افزایش هزینه‌های کل، از طریق بهبود تخصیص کارآمد بودجه به امور مختلف، نقش مؤثر دولت در افزایش رفاه و سطح توسعه را ارتقا دهد.

طبق نتایج به دست آمده، هزینه‌های دولت در بخش بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی، مخابرات، حمل‌ونقل و آب به ترتیب بیشترین تأثیر را بر افزایش شاخص کمی رفاه داشته است و هزینه‌های دولت در امور بهداشت، آموزش، آب و توسعه و عمران روستایی باعث ارتقای سطح توسعه انسانی در کشور می‌شود. علاوه بر این موارد، می‌توان گفت افزایش درآمد سرانه باعث بهبود کمی و کیفی می‌شود و کمک‌های مستقیم غیردولتی در امور رفاهی، باعث افزایش هزینه‌های مؤثر دولت در افزایش رفاه می‌گردد. در بین هزینه‌های دولت، شاخص هزینه‌های امنیت عمومی بر رفاه بی‌تأثیر است.

- هزینه‌های دولت در امور اجتماعی، در مقایسه با هزینه‌های آن در امور اقتصادی، بر کاهش فقر و افزایش رفاه و توسعه در کشور تأثیر و بازدهی بیشتری داشته است.

- همان‌گونه که بیان شد، سرمایه‌گذاری در امور بهداشتی یکی از مؤثرترین هزینه‌های دولت در افزایش رفاه و توسعه قلمداد می‌شود که این امر حساسیت بالای هزینه‌های دولت در بخش بهداشت را بازگو می‌کند. بنابراین یکی از پرسش‌های اساسی که همواره به منظور بهبود خدمات بخش سلامت مدنظر می‌باشد، میزان و نحوه مداخله دولت در بخش سلامت است. در اغلب کشورها بخش عمده خدمات بهداشتی و درمانی، توسط بخش دولتی ارائه می‌شود و علاوه بر آن این خدمات با توجه به مقتضیات و ظرفیت و توانایی مالی بخش‌های خصوصی و غیرانتفاعی هر کشور به صورت ترکیبی از هر سه بخش ارائه می‌شود که در این حوزه با توجه به محدودیت روبه‌افزایش منابع دولتی، تعیین اولویت‌بندی مشخصی در مورد هزینه‌کرد منابع موجود در بخش سلامت در دو حوزه بهداشت و درمان می‌تواند به افزایش کارایی هزینه‌های دولت یاری رساند.

همچنین با توجه به وزن و کشش بالای هزینه‌های بهداشتی در ارتقای رفاه و توسعه اقشار محروم، گسترش امکانات بهداشتی در مناطق محروم به منظور برخورداری از امکانات معیشتی و ارتقای سطح زندگی و افزایش سال‌های امید به زندگی باید در سیاست‌های رفاهی دولت گنجانده شود.

- سرمایه‌گذاری در بخش آموزش نیز تأثیر مناسب و معنی‌داری بر افزایش رفاه و کاهش میزان فقر دارد. با توجه به افزایش شدید جمعیت در سال‌های اول پس از انقلاب، بالا بودن سهم آموزش و پرورش عمومی تا چند سال پیش، منطقی به نظر می‌رسید، اما با توجه به گذار از مرحله کنونی جمعیت، به طور خودکار و کاهش نیاز کمی جامعه به آموزش ابتدایی، پیشنهاد می‌شود، هزینه‌های دولت به ارتقای کیفیت آموزش‌های پایه و عمومی و همچنین توجه به سطوح بالاتر و حمایت از تحقیق و توسعه و نوآوری‌ها و خلق دانش سوق داده شود.



هزینه‌های دولت در بخش تأمین اجتماعی و بهداشتی اثر کاهنده‌ای بر فقر داشته و باعث افزایش رفاه می‌شود. گروه‌ها و اقشاری از افراد جامعه هستند که نیازمند حمایت‌های مستقیم می‌باشند که در این مورد اتخاذ استراتژی‌های مناسب ضرورت دارد. این استراتژی‌ها باید ناظر بر برقراری حمایت از اقشار آسیب‌پذیر باشد که البته باید با نظام اطلاعاتی مناسب انجام شود.

در این بخش گسترش برنامه‌های حمایت‌های اجتماعی (بیمه بیکاری، تأمین اجتماعی و...) با استناد به تجربیات کشورهای موفق می‌تواند به کاهش نابرابری درآمد و ارتقای توسعه پایدار یاری رساند.

– در میان سرمایه‌گذاری‌های دولت در امور زیربنایی، هزینه‌های دولت در امور راه و ترابری و مخابرات اثرات بیشتری را بر افزایش رفاه و کاهش فقر نشان می‌دهد. از دلایل این امر می‌توان به هزینه‌های گسترده دولت در سال‌های اخیر در بخش‌های راه و ترابری و مخابرات و گسترش قابل توجه زیرساخت‌های اساسی این بخش‌ها اشاره کرد. تأثیر کم‌رنگ‌تر هزینه‌های دولت در طرح‌های برق و آب‌رسانی به دلیل سرمایه‌گذاری گسترده دولت‌ها در سال‌های گذشته در بخش انرژی است و زیرساخت‌های بخش برق و آب به‌ویژه در مناطق شهری در حد مطلوبی بوده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، هزینه‌های دولت به توسعه در مناطق محروم اختصاص یابد. از سوی دیگر، با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و لزوم حضور بخش خصوصی و تعاونی در عرصه اقتصاد، باید محیط و چارچوب و زیربنای مناسب برای فعالیت این بخش‌ها فراهم شود و پس از آنکه هریک از بخش‌ها از قابلیت واگذاری به بخش خصوصی برخوردار شدند، به بخش‌های خصوصی واگذار گردند.

– در حالت کلی، یکی از نکاتی که دولت‌ها در زمینه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر باید در نظر داشته باشند این است که این هزینه‌ها باید باعث افزایش توانمندی‌های افراد فقیر شود و کمک‌های به‌شکل صدقه، اثرات پایداری را به‌همراه نخواهد داشت. در این مقاله کمک‌های غیردولتی در زمینه رفاه نقش مثبت و معنی‌داری بر کارایی هزینه‌های دولت بر رفاه دارد که این امر نشان‌دهنده امکان هم‌افزایی دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد در طرح‌های ارتقای توانمندی و توسعه جامعه و افزایش رفاه است و در این راستا طراحی سازوکاری که بهترین بازدهی را داشته باشد و به توانمند کردن سازمان‌های مردم‌نهاد یاری رساند، می‌تواند به افزایش رفاه و ارتقای توسعه انسانی در ایران منجر شود.

جدول پیوست: آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم‌یافته (ADF) و فیلیپس پرون (PP)

متغیر	آماره ADF	آماره pp	متغیر	آماره ADF	آماره pp
dLP	-۹۰۸۹.۳	-۹۰۸۹.۳	dLP <sub>h</sub>	-۲/۳۳	-۳/۷۷
dLGDPO	-۹۰۹۳.۶	-۸۵۸۵.۶	dLP <sub>e</sub>	-۱/۶۸	-۱/۶۲
dLSW	-۱۶۵۲.۶	-۱۷۰۵.۶	dLP <sub>s</sub>	-۵۲۱۱.۶	.۱۰
dLHDI	-۵۴۰۴.۴	-۵۹۶۸.۴	dLP <sub>t</sub>	-۲/۵۳	-۲/۶۳
dLGr	-۸۲۲۷.۵	-۸۲۲۰.۵	dLP <sub>w</sub>	۲/۸۰	-۱/۸۳
dLA	-۲۴۶۱.۴	-۲۴۹۸.۴	dLP <sub>tr</sub>	-۳/۶۰	-۲/۲۲
			dLP <sub>prd</sub>	۷/۱۳	-۶/۶۱

## منابع

### الف - فارسی

- اسلامی، سیف‌الله. ۱۳۹۲. اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی طی چهار دهه گذشته در مناطق شهری کشور، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- بانک مرکزی (۱۳۹۰). اندازه‌گیری شاخص رفاه اجتماعی و توزیع درآمد در ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی.
- پسران، هاشم. ۱۳۵۵. «رفاه اجتماعی و برنامه ریزی»، مجموعه مقالات سمینار رفاه اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ترکمانی، جواد و الهام جمالی مقدم. ۱۳۸۴. «اثرات مخارج دولت بر فقرزدایی در مناطق روستایی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۵.
- ترکمانی، جواد و الهام جمالی مقدم. ۱۳۸۷. «بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت بر رشد بهره‌وری کل و فقرزدایی در مناطق روستایی ایران»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴.
- حسن‌زاده، محمد و رضا میرزا ابراهیمی. ۱۳۸۶. «استراتژی کاهش فقر در کشورهای شرق آسیا، تهران: انتشارات تدبیر.
- دادگر کرمانجی، یدالله. ۱۳۷۸. «مالیه عمومی و اقتصاد دولت، تهران: مؤسسه فرهنگی، هنری بشیر علم و ادب.
- زاهدی اصل، م. ۱۳۷۳. «مفاهیم رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی»، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، چاپ اول، جلد دوم، تهران: سمت.
- سامتی، مرتضی، صامتی، مجید و رسول قضاوی. ۱۳۸۷. «بررسی اثرات ترکیبات بودجه‌ای دولت بر رفاه اجتماعی»، مجله توسعه و سرمایه، شماره ۲.
- سن، آمارتیا. ۱۳۸۲. توسعه به‌مثابه آزادی، ترجمه حسن فشارکی، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- صامتی، مجید و علیرضا کرمی. ۱۳۸۳. «بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر کاهش فقر روستایی در کشور»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷.
- غفاری، حسن. ۱۳۸۴. «تعیین اثر سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت بر توزیع درآمد در ایران»، مجله دانش‌پژوهان، بهار و تابستان، شماره ۷.
- مجتهد، احمد و اعظم احمدیان. ۱۳۸۶. «اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۷.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. ۱۳۷۵. تحلیل و بررسی اقتصاد فقر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ناصری، علیرضا، باسرخا، مهدی، حسن‌زاده، محمد و ارشک مسائلی. ۱۳۸۸. «بررسی تأثیر هزینه‌های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق روستایی ایران»، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴.
- نیلی، فرهاد. ۱۳۷۴. «رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۱»، مجله برنامه و بودجه،

- Angelopoulos, K., Malley, J. and Philippopoulos, A. 2011. "The Welfare Implications of Resource Allocation Policies under Uncertainty: The Case of Public Education Spending", *Journal of Macroeconomics*, Vol. 33, Issue 2, pp. 176-192.
- Anderson, E., Renzo, de p. and Levy, S. 2006. "The Role of Public Investment in Poverty Reduction: Theories, Evidence and Methods", Working Paper, Overseas Development Institute.
- Ajwad, M.I., Wodon, Q. 2002. "Who Benefits from an Increase in Access to Public Services at the Local Level? A Marginal Benefit Incidence Analysis for Education and Basic Infrastructure", *Proceedings of the World Bank Economists, Forum 2*.
- Ercolania, V., Valle, J. e and Azevedo, b. 2014. "The Effects of Public Spending Externalities", *Journal of Economic Dynamics and Control*, Vol. 46, pp. 173-199.
- Fan, S., Jitsuchon, S. and Methakunnavut, N. 2004a. "The Importance of Public Investment for Reducing Rural Poverty in Middle-Income Countries: The Case of Thailand", *DSGD Discussion Paper 7*, Washington, DC: IFPRI.
- Fan, S., Zhang, X. and Rao, N. 2004b. "Public Expenditure, Growth and Poverty Reduction in Rural Uganda", *DSGD Discussion Paper 4*, Washington DC: IFPRI.
- Fan, S., Zhang, L., and Zhang, X. 2002. "Growth, Inequality and Poverty in Rural China: The Role of Public Investments", *Research Report 125*, Washington DC: IFPRI.
- Fan, S., Hazell, P. and Thorat, S. 1999. "Linkages Between Government Spending, Growth and Poverty in India", *Research Report 110*, Washington DC: IFPRI.
- Ganellia, G. and Tervalab, J. 2010. "Public Infrastructures, Public Consumption, and Welfare", *Journal of Macroeconomics*, Vol. 32, Issue. 3, pp. 827-837.
- Gomanee, K., Morrissey, O., Mosley, P. and Verschoor, A. 2003. "Aid, Pro-poor Government Spending and Welfare", *CREDIT Research paper 01/03*, Nottingham: University of Nottingham, CREDIT.
- International Food Policy Research Institute. 2004. "Government Spending, Growth and Poverty", *Research Report 120*, Washington D. C.
- Lofgren, H. and Robinson, S. 2004. "Public Spending, Growth, and Poverty Alleviation in Sub-Saharan Africa: A Dynamic General Equilibrium Analysis", *7th Annual Conference on Global Economic Analysis*, USA: Washington DC.
- Mosley, P., Hudson, J. and Verschoor, A. 2004. "Aid, Poverty Reduction and the 'New Conditionality'", *Economic Journal* 114, June: F217-F243.
- Paternostro, S., Rajaram, A. and Tiongson, R. E. 2005. "How Does the Composition of Public Spending Matter?", *World Bank Policy Research Working Paper 3555*.
- Reddy, S. and T. Pogge. 2002. "How Not to Count the Poor", Unpublished Manuscript, Columbia University, Available at: [www. socialanalysis. org](http://www.socialanalysis.org).
- UN Millennium Project. 2005. *Investing in Development: A Practical Plan to Achieve the Millennium Development Goals*, London: Earthscan.
- UNDP. 2002. *Human Development Report 2002*, New York: Oxford University Press.
- UN Millennium Project. 2000. *The Millennium Development Goals*, London: Earthscan.
- Verschoor, A. 2002. "Aid and the Poverty-Sensitivity of the Public Sector Budget", *Department of Economics, University of Sheffield, Research Programme on Risk, Labour Markets and Pro-poor Growth, Occasional Paper 3*.
- Van de Walle, D. 1998. "Assessing the Welfare Impacts of Public Spending", *World Development*, 26 (3), pp. 365-79.
- World Bank. 2007. *Economic Growth in Iran: Opportunities and Constraints*, Social and Economic Development Group Middle East and North Africa Region.
- World Bank. 1990-2001. *Development and Next Generation*, Washington D.C.
- World Bank. 1990-2002. *World Development Report*, Washington D. C.: World Bank.